

اینستاگرام شهرنگ: Instagram.com/shahrvang1 | ایمیل شهرنگ: shahrvang1@gmail.com

آزادراه

ایران برو کنارا



شهاب نبوی
طنز نویس

زندگی علمی تخیلی مان در حال ادامه دارد که هفته گذشته اعلام شد متوسط قیمت مسکن در تهران به متری ۲۱ میلیون تومان رسیده ولی مردم نباید به این هم قانع باشند و مسئولان دارند تمام تلاش شان را می کنند تا دیگر اصولا هیچ کس نتواند در آینده ادعا کند «چهار دیواری اختیاری» احتمالا طی سال های آینده بچه هایی را خواهیم دید که تابه حال زیر سقف خوابیده اند و از همان اول بهشان گفته اند که این دنیا به صورت کروک و بدون سقف ایجاد شده است.

در خبری دیگر داشتیم طی هفته گذشته، قله دماوند یک روز صبح بلند شده و جیب زده «وای اراضی ام» هیچ وقت فکر نمی کردم بهم دست بزنید...» و بعد برف هایش شروع به ریختن کرده اند. البته بعدش چند نفری پیدا شدند و دست به تایید و تکذیب زدند. یک نفر می رفت دست می کشید روی سر قله و بهش می گفت ما فکر نمی کردیم بهت بر بخوره این قدر بی جنبه نباش. اون یکی می گفت حالا خوبه صاف و صوف نیستی اگه مثل جنگل هایی که فروختیم بودی چی کار می کردی؟ خلاصه موفق شدند گریه دماوند با آن ابهت که هزاران سال تا چشم بیاورند که این موفقیت بزرگ را هم تبریک می گویم.

در خبر غرور آفرینی دیگر، متوجه شدیم این سلطان مسکن سلطان مسکن که می گویند خوشبختانه غریبه نیست و از خودمان است. معاون وزیر راه این هفته گفت که مالک یک هزار واحد مسکونی خالی در شهر تهران یک بانک دولتی- خصوصی است. ما ضمن تایید این حرکت از مسئولان دیگر بانک ها هم می خواهیم که یک قرار فیکس کنند تا همگی فردا سر ساعت یازده میدان فردوسی باشند و دلار بخرند و بعدش یک تاکسی بگیرند و بروند سبزه میدان بفروشند. بعدش هم با هم می روییم دم نمایشگاه شوهر خاله ام و هرچه ماشین بدون رنگ پیدا کردیم می خریم و می کنیم توی پارکینگ.

تازه بعدش هم می توانیم برویم پارچه ارزان بخریم و عکس رونالدو و مسی را رویش چاپ و بکنیم توی پاچه ورزشی فروش های منیریه. آخر شب هم می روییم به پتو می اندازیم زیرمان و توی همین واحدها می خوابیم و به هم خدا قوت می گویم؛ چرا که بانک وقتی بزرگ شد، دیگر باید روی پای خودش بایستد و زنگ باشد؛ وگرنه بانک ها و دلال های دیگر می خورندش.

خبر مهم دیگر این هفته در مورد رفتن به فهرست چهار کشور پرتورم جهان بود. یعنی توی دنیا وقتی می خواهند یک مسئول مربوطه اول یک ایران توی فهرست می گذارند، بعد می رود چند ساعتی می خوابد و وقتی رئیسش آمد و گفت تا الان چه ها کردی می گوید فعلا اسم ایران را در آوردم و دارم روی باقی کار می کنم؛ یعنی ما کلا با چند پله بالا و پایین همیشه توی این فهرست ها هستیم و این جوری می شمارند که: «وزنوتلا، زیمباوه، ایران برو کنار، کنگو، نیجر...»

در ماجرای دیگر که می توان هفته را با آن به پایان برد، بزرگواری در جمله ای ماندگار گفتند که آدم نباید به گذشته ها فکر کند و گذشته ها گذشته است. ما هم با این حرف موافقیم و پیشنهاد می کنیم بهتر است با شوق زیاد به سمت فتح تپه های رویه رو حرکت کنیم. □

تماشاخانه

احسان گنجی
ehsanganj158@gmail.com
کار نویس

کوه خواری!



شيوه تشويقی عجيب يك استاد دانشگاه:
هر دانشجو می تاهلی که در تابستان باردار شود یک نمره اضافی می گیرد

استاد بچه مون افتاد تو ما رو ننداز!

- ↪ یک دانشجو: فکر کنم برای پاس شدن باید هفت قلو بیارم!
- ↪ دانشجو نه و نیم: استاد اقدام برای بچه دار شدن رو با حساب می کنید؟
- ↪ رئیس دیوان محاسبات:
- ↪ گول نخورید با معدل ۱۲ هم شغل خوب پیدا می شه!
- ↪ فرزند: بابا چی شد اسم منو گذاشتی محاسبات عددی سه واحدی؟
- ↪ دانشجو: استاد یه خرده دلم به هم می خوره، نیم نمره نمی دید؟!
- ↪ دانشجو درس خوان: لعنتی ۲۰ شدم، حالا با این بچه چیکار کنم؟!
- ↪ کنکور ی: ها، یه بچه بیاریم می ذارید کنکور ندیم؟
- ↪ شهردار اسبق: هر چی بوده گذشته، یه بچه بیارید تموم شه بره!
- ↪ مجلس: بچه نیارید اینستاگرام رو فیلتر می کنیم!
- ↪ آقامیری: این بچه ها گانهی ندارن، تقصیر خود مونه که درس کم خوندم
- ↪ زنان: اجازه این کارو که دیگه داریم؟

#ویار-نمره #این-راهش-نیست-استاد-گرامی #شهرنگ

میلیاردر شوید

چنین گفت پروفیسور مجید

من angizesh.biutiful_amin پیچ ۸۳۸۷-modir_milyooner هستم، ۸۴۸۶ mind تابع قوانین.

برای تولید محتوای پیچ جست و جو با مطالعه خاصی نمی کنم بلکه در طول روز محتوا خودش را به من نشان می دهد. جمله انگیزشی باید خودش بیاید، درست مثل شعر، به قول آنتونی رابینز: «دنیا بل جمله تکان دهنده نباش، او خودش تو را پیدا می کند و تکان می دهد». ظهر رفته بودم برای خرید عینک دودی، از فروشنده پرسیدم «بهم میدانه؟» گفت «بله جناب اصلا برای صورت شما ساخته شده». ناگهان پسر بی ادبش

تقاطع غیر هم سطح

دبیرستانی ها، پیش دانشگاهیان، دانشجویان، دانشگاهیان، کرونا منتشر شد



طیبه رسول زاده
طنز نویس

شاید وقتی میکروفن صداوسیما را جلوی حلق تان بگیرند و از شما بپرسند چرادرسی می خوانید؟ اولین جوابی که به ذهن تان برسد این باشد که «می خواهم به مملکت خدمت کنم».

خودتان بهتر می دانید که این مملکت به اندازه کافی خدمتگزار دارد که حتی با معدل ۱۲ هم در بالاترین پست ها خدمت کنند. خودشان هم نباشند بچه های شان که نمرده اند، پس دیگر به امثال شما نیازی نیست. اگر واقعیت را بخواهید، در واقع مملکت خیلی هم موافق نیست که شما با سواد ها به آن خدمت کنید. یک نگاه به وضعیت تان بیندازید. کلی زحمت کشیده اید و خون دل خوردید و هفت صبح بیدار شدید و معلم و غرغرایش را تحمل کرده اید که بروید درس بخوانید. کلی خودتان و خانواده تان را در سختی و خرج و دردمسرا نداخته اید تا به کنکور برسید. بعد مسئولان می کنند رغبانداخته اند، می عقب انداخته اند تا کرونا بپایک خودشان را بزنند و به نقطه و جوش برسند، آن وقت کنکور برگزار کرده اند.

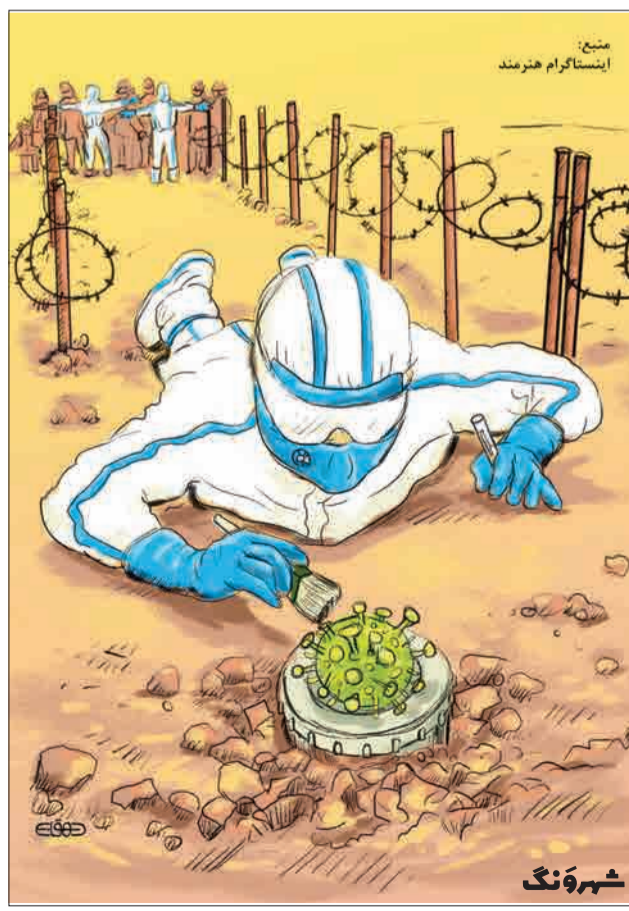
اگر تا الان فکر می کردید که کنکور غول مرحله آخر است، اشتباه می کردید. غول مرحله آخر در واقع زنده بیرون آمدن از کنکور است. خیلی هم خوشبین نباشید که رعایت می کنید و ماسک می زنید و معتادها نمی گیرند. شما قرار است چهار ساعت در یک ساختمان مسقف با چند صد نفر دیگر بنشینید. حالا اگر خودشان یا خانواده شان کرونا نداشته باشند و در فرم خوداظهاری شان ناقل بودن را مخفی نکرده باشند، توی مسیر رسیدن به کنکور از یکی گرفته اند. کافی است در صفی که برای تشخیص هویت تشکیل می شود کنارشان بایستید. از این مرحله به سلامت هم عبور کنید، یکی دو نفر در کمین تان هستند که شما

محمد حسین میریابوبالی

از آنکه استوری بارگذاری شد، عینک را خریدم. هزینه اش را همان جا پرداخت کردم. اعتقاد دارم آدم اگر می خواهد به چیزی برسد، باید هزینه آن را بپردازد. می خواهی فالوبک شوی، باید هزینه آن یعنی فالو کردن را بپردازی. می خواهی فالوورزها زیاد شود، باید هزینه خرید فالوورز را بدهی. follower_tazmini.fake ۸۲ پیروزی، بگذارد یک مثال از خودم بزنم. من تصمیم گرفتم ماشین بخرم. هر روز خودم را سوار بر ماشین فرض می کردم. هیچ پولی هم نداشتم، اما باید هزینه این تصمیم را می پرداختم. به راحتی با کشیدن چک، ماشین را تحویل گرفتم. پس از آن به علت برگشت خوردن چک چند روزی به زندان افتادم و مجبور شدم ماشین را پس بدهم. خب تمام این اتفاقات هزینه رسیدن من به رویاها بود. مهم این است که رویاها محقق شد. اینکه در سلول چه اتفاقی افتاد و پس از آنکه گفتم «من متخصص حوزه موفقیت و انگیزش هستم» هم سلولی ها چه رفتاری با من داشتند، ذره ای برایم اهمیت ندارد. □

شهر فرنگ

منصوره دهقانی کار نویس



شهرنگ